



روش شناسی تربیتی امام خمینی (ره)

دکتر جعفر رحمانی

روش‌های تربیت دینی در رفتار امام

خمینی (ره)

۱. روش تکریم کودکان

یکی از روش‌های تربیت در اسلام که در قرآن مورد توجه قرار گرفته است و حضرت امام (ره) به بهترین شکل آن، در منزل به آن روش رفتار می‌کرده‌اند، روش تکریم کودکان است. کودکی به امام نوشته بود که من شما را بسیار دوست دارم و خیلی علاقه دارم شما را ببینم. امام در جواب نوشته بودند که:

«فرزندم نامه‌ات را خواندم. هر زمانی که می‌خواهی بیا و با من ملاقات کن.»^۴

از قول یکی از نواده‌های حضرت امام (ره) نقل می‌شود که من وقتی به امام وارد می‌شدم، سلام می‌کردم، اما ایشان سعی داشتند زودتر به من سلام کنند. وقتی که ایشان سلام می‌کردند، من جواب سلام ایشان را می‌دادم. خیلی مهربان و دلنشین با ما برخورد می‌کردند.^۵

اهمیت تربیت دینی

حضرت امام خمینی (ره) هنگام حیات خود به دفعات، هدف اساسی تعلیم و تربیت را «تربیت دینی» دانسته‌اند. امام (ره) می‌فرمایند:

● «مواظب باشید که اعمالتان، اعمال صالح باشد، قیامت‌ان برای خدا باشد، اعمالتان برای خدا باشد. هر کدام بچه دارید، تربیت کنید، تربیت الهی بکنید، تربیت شیطانی نکنید.»^۱

● «خودتان را تهذیب کنید و کودکان خودتان را تهذیب کنید. کودکان خودتان را اسلامی بار بیاورید.»^۲

● «شما اگر بتوانید این بچه‌ها را تربیت کنید، طوری که از اول بار بیایند به اینکه [خداخواه] باشند، توجه به خدا داشته باشند، شما اگر عبودیت الله را و پیوند با خدا را به این بچه‌ها تزریق کنید، این بچه‌ها زود قبول می‌کنند آن را.»^۳

۲. روش تلقین

در دیدگاه امام یکی از روش‌هایی که می‌تواند مفید باشد، «تلقین» است:

● «انسان خودش هم اگر بخواهد ساخته بشود، باید آن مسائلی که مربوط به ساختن خودش است، تلقین کند. به خودش تکرار کند. یک مطلبی که تأثیر در نفس انسان باید بکند، با تلقینات و تکرارها بیشتر در نفس انسان نقش پیدا می‌کند.»^۶

● «اگر بخواهید یک بچه‌ای را تربیت بکنید، باید یک مسئله را چندین دفعه با چند زبان، با چند وضع به او بخوانید. مطلب یکی باشد، لکن طرز بیانش متفاوت باشد به طوری که در قلب او نقش بندد.»^۷

۳. روش مطایبه و تفریح

«مطایبه» به معنی شوخی است. حضرت امام گاهی نوه‌های خود را سرگرم و از این راه با آنها مطایبه می‌کردند و مطالب لازم را آموزش می‌دادند.

۴. روش احسان در مقابل احسان

یکی از روش‌هایی که در اسلام به آن توجه می‌شود، احسان کردن در مقابل احسان است. اگر بزرگ‌سالی از یک خردسال رفتار انسانی ببیند، با انجام رفتار مشابه نسبت به کودک، باعث تقویت آن رفتار در او می‌شود. این روش از جانب حضرت امام خمینی (ره) مورد توجه بوده است. فرزند شهید آیت‌الله اشرفی اصفهانی نقل می‌کند:

«زمانی که ۱۵ ساله بودم، روزی برای استحمام به گرمابه‌ای در قم رفته بودم. در بدو ورود مشاهده کردم یکی از آقایان که سر خود را صابون زده و روی چشمانش نیز از کف صابون پوشیده است، با دست به دنبال ظرف آب می‌گردد. بلافاصله ظرفی را که نزدیک بود، برداشتم و از خزینه پر آب ساختم و دوبار روی سر ایشان ریختم. آن مرد نورانی نگاه تشکرآمیزی به من انداخت و پرسید: آیا شما هم سر خود را شسته‌اید؟»

عرض کردم: خیر، تازه به حمام آمده‌ام. بالاخره به گوشه‌ای رفتم و سر و صورت خود را صابون زدم. قبل از اینکه آب بر سر خود بریزم، ناگاه دو ظرف آب روی سرم ریخته شد. چشم خود را باز کردم، دیدم آن مرد بزرگ به تلافی خدمت من، با کمال بزرگواری محبت کرده است.

در خانه موضوع را به مرحوم پدرم گفتم؛ لکن چون او را نمی‌شناختم، نتوانستم معرفی کنم. یکی از روزهای عید مذهبی که با پدرم به منزل علما می‌رفتم، ناگاه چشمم به ایشان افتاد و او را به پدرم نشان دادم. پدرم فرمود: عجب! ایشان حاج آقا روح‌الله خمینی (ره) است.»^۸

۵. رفتار عملی

رفتار مربی بیش از کلام او در افراد، به‌ویژه کودکان تأثیر می‌کند. کودک سعی می‌کند در رفتارهای خود از بزرگ‌سالانی که با او در ارتباط هستند، تقلید کند. تقلید تأثیر فوق‌العاده در تربیت دارد. نکته ظریف اینجاست که هر قدر بین بزرگ‌سال و کودک رابطه عاطفی قوی‌تری حاکم باشد، این تأثیرپذیری بیشتر است. لذا حضرت امام به رابطه مادر و کودک اشاره می‌کنند و می‌فرمایند: «آن قدری که بچه از مادر چیز می‌شنود، از پدر نمی‌شنود. آن قدری که اخلاق مادر در بچه کوچک نوری تأثیر دارد و به او منتقل می‌شود، از دیگران عملی نیست. مادرها مبدأ خیرات هستند. اگر خدای نخواسته مادرانی باشند که بچه‌ها را بد تربیت کنند، مبدأ شرند.»^۹

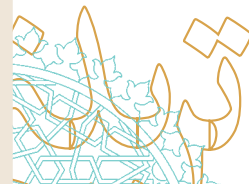
برخوردهای تربیتی امام خمینی (ره)

این بخش از نوشته به طرح برخوردهای تربیتی حضرت امام خمینی (ره) اختصاص دارد که می‌تواند برای مربیان، معلمان، استادان و صاحب‌نظران تعلم و تربیت دینی مفید و قابل استفاده باشد. این برخوردها می‌توانند به‌عنوان مناسب‌ترین روش‌های تربیت دینی که توسط شخصیت بزرگواری همچون حضرت امام خمینی (ره) عمل شده‌اند، شایسته است مورد تبعیت و تأسی قرار گیرند.

۱. پرهیز از ایجاد تلخی در کودکان به

جهت فرایض دینی

یادم می‌آید زمانی همسرم از روی عادت خانوادگی، صبح‌ها دخترم را از خواب شیرین بیدار می‌کرد که نماز بخواند. امام خمینی (ره) که در جریان قرار گرفتند، برایشان پیغام فرستادند که شیرینی اسلام را به مذاق بچه تلخ نکن. و چقدر این حرف بجا بود و تأثیر عمیقی بر روحیه دخترم گذاشت؛ به طوری که بعد از آن خودش سفارش می‌کرد که برای نماز صبح حتما بیدارش کنیم. معنی «لا اکراه فی الدین» را آن موقع فهمیدم. امام (ره) معمولاً شب‌ها ساعت را بالای سرشان می‌گذاشتند که برای نماز شب خواب نمانند. در ایامی که ناراحتی قلبی داشتند، من چون خوابم سبک بود، شب‌ها را در اتاق ایشان استراحت می‌کردم تا اگر نیازی بود، کمکشان کنم. امام ساعت زنگ‌دارشان را درون پارچه‌ای می‌پیچیدند و دور از من در جایی می‌گذاشتند که وقتی زنگ می‌زند، من بیدار نشوم. درواقع نمی‌خواستند برای من زحمتی ایجاد کرده باشند. چون ایشان کسی را برای نماز صبح هم بیدار نمی‌کردند، مگر اینکه سفارش کرده باشد. یک بار از آقا سؤال کردم



یکی از روش‌هایی که در اسلام به آن توجه می‌شود، احسان کردن در مقابل احسان است. اگر بزرگ‌سالی از یک خردسال رفتار انسانی ببیند، با انجام رفتار مشابه نسبت به کودک، باعث تقویت آن رفتار در او می‌شود



که آیا اجازه دارم، فرزندم را برای نماز صبح بیدار کنم، فرمودند: «خواب را برای بچه تلخ نکن.»^{۱۰}

۲. ایجاد امکان فراغت و شادی برای کودکان

امام (ره) به آزاد گذاشتن بچه‌ها در بازی‌هایشان اعتقاد داشتند و می‌فرمودند: «اگر بچه شیطنت نکند، مریض است.» حتی برای بزرگ‌ترها هم تفریح را لازم می‌دانستند. گاهی که در روزهای تعطیل مرا مشغول کار می‌دیدند، می‌فرمودند: «نه، به جایی نمی‌رسی. چون وقت تفریح و استراحت فقط باید تفریح کرد و به استراحت پرداخت.»

بارها به پسر من می‌گفتند: «من تا به حال، نه یک ساعت از تفریحم را برای درس گذاشته‌ام و نه یک ساعت از وقت درسم را صرف تفریح کرده‌ام. هر کاری وقت خودش را دارد و هر وقتی هم کار خودش را.» و باز می‌فرمودند: «اگر تفریح نداشته باشید، نمی‌توانید خوب تحصیل کنید.»^{۱۱}

۳. مراعات احوال افراد تازه به دین پیوسته

وقتی خواهر کوچکم به سن تکلیف رسید، امام (ره) فرمودند: «مسال دیگر باید روزه هم بگیری.» اتفاقاً ماه رمضان آن سال خیلی گرم بود. نداشتن کولر، کمبود آب و ضعف جسمانی خواهرم، باعث شد که روز اول ماه مبارک را به سختی تحمل کند. این بود که شب پس از افطار گفت: «من فردا دیگر نمی‌توانم روزه بگیرم.» آقا همان شب ترتیب مسافرت او را به تهران دادند. یعنی به مادر که بچه کوچک هم داشتند، فرمودند: «بچه‌ها را بردارید و مدتی را در تهران در منزل فلانی - یکی از نزدیکان - باشید.» بعدها به من فرمودند: «تخواستم در نظر او قبح روزه‌خواری از بین برود.»^{۱۲}

۴. برخورد متین با کودکان

پنج شش ساله بودم که به قیصریه آمدم. آن وقت‌ها آقا در منزل حاج آقا روغنی از طرف ساواک تحت نظر بودند. یک شب که مشغول نماز بودند و چند نفری هم به ایشان اقتدا کرده بودند، تا رفتم وضو گرفتم و آمدم، آقا رکعت اول را تمام کرده بودند و رفته بودند به سجده. خب من باید تا رکعت بعد صبر می‌کردم. ولی از شدت علاقه‌ای که به نماز خواندن با ایشان داشتم، قامت بستم و به خیال خودم وصل شدم به جماعت. بعد از نماز مادرم گفت: دختر نمازت اشکال داشت و دلیلش را هم گفت. اما من قبول نکرده و گفتم نه درست است و اصرار کردم که به آقا بگویم.

مادر ناچار جریان را به ایشان گفتند. آن وقت امام با

حوصله و سعه صدر نزدیک به یک ربع ساعت، برای من پنج شش مسئله را توضیح دادند که چرا نمی‌باید آن موقع قامت می‌بستم و حالا چه باید بکنم.

در سال‌های کودکی، یک بار که به مشهد رفتم، به علت علاقه‌ای که به آقا داشتم، یک بسته از آن عطرهاى ارزان‌قیمتی را که هر سه چهار تایش داخل یک جعبه است، برای امام سوغات آوردم. وقتی برگشتیم و خدمت ایشان رسیدیم، من سوغاتی‌های ارزان‌قیمت را تقدیم حضورشان کردم. اما ایشان با آنکه عطرهاى خوب و مرغوب داشتند، آن قدر این سوغاتی‌های ناقابل‌مرا با روی باز و علاقه‌مندی تحویل گرفتند که من واقعا شرمند شدم. این نوع برخورد برابم فوق‌العاده عجیب بود.^{۱۳}

۵. استفاده از ترفندهایی برای تنبیه نکردن کودکان

پدر غالباً با عملشان ما را به دستورات اسلامی تکلیف می‌کردند. مثلاً به احترام مادر خیلی حساس بودند و این ما را هم به احترام گذاشتن به ایشان وامی‌داشت. یادم می‌آید، یک روز در ایام کودکی به حرف مادرم گوش نکردم و کاری را که ایشان مخالف انجام آن بود، انجام دادم.

پدرم خیلی ناراحت شدند و به قصد تنبیه من از جای برخاستند، ولی به بهانه‌های متفاوت به من فرصت دادند که فرار کنم. همیشه همین‌طور بود. خودشان را به کاری مشغول می‌کردند، مثل بالا زدن آستین‌ها، دنبال وسیله تنبیه گشتن، و ... تا بچه‌ها فرصت کنند، بگریزند؛ ولی نسبت به عمل خود متنبه شوند.^{۱۴}

۶. احترام به نسل جوان مسلمان

در قم که زندگی می‌کردیم، جوانی بود که در کارهای امام به ایشان کمک می‌کرد، آقا بارها فرمودند: «من فلانی را خیلی دوست دارم.» وقتی علت را می‌پرسیدیم، می‌گفتند: «شب‌ها که بیدار می‌شوم، این جوان را مشغول نماز و مناجات با خدا می‌بینم.»

۷. بازی با کودکان و اعطای جایزه به آن‌ها

حضرت امام در ایام فراغت غالباً بچه‌های خانه ما را دور خودشان جمع می‌کردند و با آن‌ها در بازی‌هایشان شریک می‌شدند. گاهی هم درباره وضع درسی و امتحاناتشان سوالاتی می‌کردند. اگر یکی نمره خوبی آورده بود، او را تشویق می‌کردند و جایزه‌ای هم به او می‌دادند؛ مثلاً یک شیشه عطر.

۸. علاقه‌مندی به کودکان

هر وقت ما بزرگ‌ترها تنها به ملاقات امام می‌رفتیم،

امام (ره) به آزاد گذاشتن بچه‌ها در بازی‌هایشان اعتقاد داشتند و می‌فرمودند: «اگر بچه شیطنت نکند، مریض است.» حتی برای بزرگ‌ترها هم تفریح را لازم می‌دانستند



تربیت کودکان و نوجوانان در نظر امام از اهمیت خاصی برخوردار بود. غالباً وقتی که با آن‌ها بودند، از راه‌های غیرمستقیم و یاسرگرمی‌های سالم در بالا بردن آگاهی‌های آن‌ها تلاش می‌کردند

ایشان می‌فرمودند: «چرا بچه‌ها را همراهتان نیاورده‌اید؟» می‌گفتیم: «آخر آن‌ها با سر و صدا بازی می‌کنند و باعث اذیت و آزار شما می‌شوند.» می‌فرمودند: «نه، من بچه‌ها را دوست دارم و اگر می‌خواهید من ناراحت نشوم، آن‌ها را هم با خودتان بیاورید.»^{۱۵}

۹. بازی و مشاعره با کودکان

یک روز خدمت امام رسیدم. چون مقداری شعر حفظ بودم، از پدر بزرگ خواستم که با هم «مشاعره» کنیم. ایشان قبول کردند و شروع کردیم به شعر خواندن. تا اینکه من دیگر شعرهایم تمام شد. آن وقت از پدر بزرگ خواستم که به جای مشاعره «مکالمه» کنیم. یعنی هر کس کلمه‌ای بگوید و دیگری کلمه‌ای را که حرف اول آن مثل حرف آخر کلمه طرف مقابل باشد، بگوید. ایشان فرمودند: «باشد.» یادم می‌آید که آقا سعی می‌کردند، بیشتر کلماتی بگویند که آخر آن‌ها به «ه» ختم می‌شود. این بود که بازی خیلی به نفع ایشان تمام شد و من در پیدا کردن آن همه کلمه که اولش «ه» باشد، حسابی دچار مشکل شدم.

۱۰. سرگرم ساختن بچه‌ها با روش‌های متنوع

تربیت کودکان و نوجوانان در نظر امام از اهمیت خاصی برخوردار بود. غالباً وقتی که با آن‌ها بودند، از راه‌های غیرمستقیم و یاسرگرمی‌های سالم در بالا بردن آگاهی‌های آن‌ها تلاش می‌کردند. گاهی برایشان شعرهایی آموزنده می‌خواندند. گاهی حکایت‌های مناسب برایشان می‌گفتند. حتی گاهی با آن‌ها مشاعره می‌کردند. خلاصه، مطالب لازم را از این طریق به آن‌ها می‌فهماندند.

در سال‌های اقامت‌مان در قم، ایشان پیش از ظهرها را در منزل درس می‌گفتند. طلبه‌ها می‌آمدند و درس تا ساعت ۱۱:۳۰ طول می‌کشید. آقا پس از درس بلافاصله می‌آمدند پیش ما بچه‌ها و در بازی‌هایمان شرکت می‌کردند. مثلاً اگر قایم‌باشک بازی می‌کردیم، ایشان سر یکی از ما را در دامن خود می‌گرفتند تا بقیه بچه‌ها بروند و قایم بشوند. این هم‌بازی شدن با ما هیچ‌گاه بیشتر از ۲۰ دقیقه طول نمی‌کشید، چون ایشان ۱۰ دقیقه به ظهر مانده باید خودشان را برای مقدمات آماده می‌کردند.^{۱۶}

۱۱. توصیه به آماده‌سازی کودکان قبل از بلوغ

روزی با فرزند یکی از نزدیکان که قد کشیده و در حال رشد بود، خدمت امام رسیدیم. آقا وقتی ایشان را دید، با خنده به من فرمودند: هر چه می‌خواهی به فلانی بگویی، امسال بگو چون دیگر صدایت به او نمی‌رسد.^{۱۷}

پی‌نوشت‌ها

۱. همان منبع، ج ۵، ص ۶۲.
۲. همان منبع، ج ۷، ص ۱۷.
۳. تربیت، ش ۹، ص ۶.
۴. تربیت، ش ۹، ص ۶.
۵. همان.
۶. صحیفه نور، ج ۱۳، ص ۱۹۹.
۷. همان منبع، ج ۹، ص ۱۵۳.
۸. تربیت، ش ۹، ص ۷.
۹. صحیفه نور، ج ۸، ص ۱۶۲.
۱۰. تربیت، ش ۹، ص ۱۱.
۱۱. همان منبع، ص ۱۱.
۱۲. تربیت، ش ۹، ص ۱۲.
۱۳. همان منبع، ص ۱۲.
۱۴. همان منبع، ص ۱۲.
۱۵. همان منبع، ص ۱۲.
۱۶. تربیت، ش ۹، ص ۱۳.
۱۷. همان منبع، ص ۱۳.

منابع

الف) کتب

۱. قرآن مجید.
۲. بصیرت منش و دیگران، صحیفه دل؛ مطالب و خاطراتی از امام (ره) (۱۳۷۷). مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام (ره)، تهران.
۳. حرّانی، حسن (۱۳۶۳). تحف‌العقول. انتشارات اسلامی. تهران.
۴. حضرت امام (ره) از دیدگاه رهبری (۱۳۷۶). مؤسسه فرهنگی قدر ولایت. مشهد.
۵. نوری، مسعود (۱۳۶۰). خط امام، کلام امام (ج ۲). انتشارات نور. تهران.
۶. امام (ره)، روح‌الله (۱۳۶۷). پیام استقامت. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. تهران.
۷. _____ (۱۳۷۵). تفسیر سوره حمد. مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی. تهران.
۸. _____ (۱۳۷۶). صحیفه نور. سازمان انتشارات انقلاب اسلامی. تهران.
۹. _____ (۱۳۷۲). کلمات قصار. مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام (ره). تهران.
۱۰. _____ (۱۳۷۶). نقطه عطف. مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی. تهران.
۱۱. شعرایف، رضا (۱۳۶۶). سرگذشت‌های ویژه از زندگی امام (ره) (ج ۵ و ۶). انتشارات پیام آزادی. تهران.
۱۲. فیض‌الاسلام (۱۳۶۶). نهج‌البلاغه. انتشارات فیض‌الاسلام. تهران.
۱۳. مجموعه مقالات پنجمین سمینار بررسی سیره نظری و عملی حضرت امام (ره) (۱۳۷۴). نشر عروج. تهران.
۱۴. مطهری، مرتضی (۱۳۷۰). علل گرایش به مادیگری. نشر صدرا. تهران.
۱۵. وجدانی، مصطفی (۱۳۶۲). سرگذشت‌های ویژه از زندگی امام (ره) (ج ۱). انتشارات پیام آزادی. تهران.
۱۶. _____ (۱۳۶۶). سرگذشت‌های ویژه از زندگی امام (ره) (ج ۴). انتشارات پیام آزادی. تهران.

ب) مجلات

۱. آشنا، ش ۱۱-۱۲، ۱۳۷۳.
۲. تربیت، ش ۹، ۱۳۷۸.
۳. حضور، ش ۸، ۱۳۷۳.
۴. حضور، ش ۱۸، ۱۳۷۵.
۵. حضور، ش ۱۹، ۱۳۷۶.
۶. حضور، ش ۳۷، ۱۳۶۸.
۷. حضور، ش ۳۸، ۱۳۶۹.